

An Analysis of the Effects of Symbolic Violence on Married Women in the Family, Tehran, 2021

Shokoofeh Zand: Ph.D. student, department of sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. shoko2002@hotmail.com

Mansour Haghighian*: Associate professor, department of sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. mansour_haghighatian@yahoo.com

Seyedali Hashemianfar: Associate professor, department of sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. j.hashemian@Itr.ui.ac.ir

Abstract

Introduction: The following text discusses how different types of violence can have a negative impact on women, leading to passivity. Specifically, the study focuses on symbolic violence within family relationships and how patriarchal norms affect women within the family unit. The text sheds light on forms of violence that are not typically recognized as such by society and highlights how some women adapt to patriarchal norms despite their conflict with egalitarian values.

Methods: The study utilized a descriptive correlation research method with the help of a questionnaire. The research was conducted among married women in Tehran, who were selected based on the criteria of development in regions two, six, ten, thirteen, and seventeen. As accurate statistics on women affected by latent violence were not available, four hundred fifty women from these regions were determined as the sample size using a quota sampling method and sample power software. The individual is the unit of analysis in this research, and data analysis and hypothesis testing were conducted using Pearson correlation and structural equation modeling. SPSS version 23 was the statistical software used for this research.

Results: According to the findings, there is a significant and negative correlation negative forty-nine hundredths and negative twenty-nine hundredths between symbolic violence against women and their self-actualization and child cultural capital, respectively. Moreover, there is a significant and positive correlation six tenths and six tenths between symbolic violence against women and their alienation and depression, respectively.

Conclusions: The study highlights that symbolic violence obstructs women's self-actualization and children's cultural capital growth, leading to depression, alienation, and family problems.

Keywords

Symbolic Violence, Cultural Capital, Self-Actualization, Alienation, Depression

*Corresponding Author

Study Type: Original

Received: 17 Oct 2021

Accepted: 10 Nov 2022

Please cite this article as follows:

Zand S, Haghighian M, and Hashemianfar S. An analysis of the effects of symbolic violence on married women in the family, Tehran, 2021. Quarterly Journal of Social Work. 2023; 12 (1); 27-37

مطالعه پیامدهای خشونت نمادین واقع بر زنان متاهل در خانواده، شهر تهران، ۱۳۹۹

شکوفه زند: دانشجوی دکترا، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. shooko2002@hotmail.com

منصور حقیقتیان*: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. mansour_haghighatian@yahoo.com

سیدعلی هاشمیان فر: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. j.hashemian@Itr.ui.ac.ir

واژگان کلیدی

خشونت نمادین، سرمایه فرهنگی، خودشکوفایی، ازخودبیگانگی، افسردگی

* نویسنده مسوول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

چکیده

مقدمه: انواع خشونت می‌تواند بر روی زنان تأثیرات منفی بگذارد و از آنان افرادی منفعل به‌بارآورد. پژوهش حاضر در تلاش است تا پیامدهای خشونت نمادین را در روابط خانوادگی بررسی و نیز تأثیرات مرد سالارانه بر زنان، در کانون خانواده را آشکار نماید. همچنین به خشونت که حافظه جمعی از آن به‌عنوان خشونت یاد نمی‌کند و به نمایش تطبیق زندگی، توأم با مردسالاری گروهی از زنان که در تعارض با تفکرات برابری طلبانه هستند، می‌پردازد.

روش: این مقاله از نوع پیمایشی و با ابزار پرسشنامه است. هدف پژوهش، کاربردی و جامعه‌آماری آن، زنان متاهل شهر تهران بوده‌اند که بر اساس ملاک توسعه یافتگی، مناطق دو، شش، ده، سیزده و هفده انتخاب و چهارصد و پنجاه نفر از زنان این مناطق به‌عنوان حجم نمونه، براساس نرم افزار SPSS Sample Power تعیین شده و به‌روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته‌اند زیرا آمار دقیقی از زنانی که قربانی این خشونت پنهان بودند، در دسترس نبود. واحد تحلیل فرد است و در تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات، از همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شده همچنین نرم افزار آماری مورد استفاده در این پژوهش نسخه SPSS23 بوده است.

نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد، خشونت نمادین واقع بر زنان با رسیدن به خودشکوفایی آنان و سرمایه فرهنگی فرزند به‌ترتیب همبستگی معنادار منفی چهل و نه صدم و منفی بیست و نه صدم داشته و همچنین با ازخودبیگانگی و افسردگی آنان به‌ترتیب همبستگی معنادار شصت و سه صدم و شصت و سه صدم دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان می‌دهد، خشونت نمادین مانعی جدی برای رسیدن به خودشکوفایی زنان و رشد سرمایه فرهنگی فرزندان است و می‌تواند موجب ازخودبیگانگی و افسردگی زنان شود و مشکلات زیادی در خانواده به‌وجود آورد.

شکوفه زند، منصور حقیقتیان و سیدعلی هاشمیان فر. مطالعه پیامدهای خشونت نمادین واقع بر زنان متاهل در خانواده، شهر تهران، ۱۳۹۹. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۲؛ ۱۲(۱): ۳۷-۲۷

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

با وجود این که خانواده بر محور صمیمیت، حمایت و عشق استوار است، خشونت خانگی درست در هم آن جا رخ می دهد. خانواده مانند سایر سازمان های اجتماعی، نظام قدرت است. معمولاً مرد بر خانواده سلطه دارد. بیشتر خانواده ها تنش های اجتناب ناپذیر و معمول را که در جریان زندگی روزمره پیش می آید، برطرف می کنند، اما اختلاف در بعضی از خانواده ها به خشونت می انجامد. از این رو هم مردان و هم زنان از این خشونت آسیب می بینند، براساس آخرین گزارش وزارت دادگستری آمریکا، اکثر قربانیان خشونت در خانه زنان هستند. [۱] خشونت خانگی شاید سالیانی به قدمت خانواده داشته باشد. این نوع خشونت علیه زنان، عواقب جسمی، روانی و اجتماعی متعددی دارد که می تواند سلامت زنان، خانواده و جامعه را به خطر اندازد. در این پژوهش، هدف از بررسی خشونت نمادین علیه زنان، مروری بر نظریه ها، میزان شیوع و پیامدهای آن است. گاهی خشونت علیه زنان به عنوان رفتاری هماهنگ با شرایط فرهنگی، امری پسندیده تلقی می شود. با بررسی عمیقتر پیامدها و آسیب های خشونت خانگی، آشکار می شود کودکانی که در کنار مادر، مورد آزار پدر قرار می گیرند، اضطراب، افسردگی و سرخوردگی را با خود به دوران بزرگسالی می برند و در دوران بزرگسالی، این خشونت، تبدیل به انواع عقده های روانی می گردد، احتمالاً اگر زندگیشان پس از ازدواج به طلاق نینجامد، به پدری زورگو یا مادری سرخورده و مطیع تبدیل می شوند. از سویی خانواده را می توان اساس ساخت اجتماعی به خصوص در جامعه ایران به حساب آورد. زنان محور اصلی خانواده هستند و مهمترین کارکرد نهاد خانواده «تربیت اجتماعی» و «جامعه پذیر کردن فرزندان» است. تأثیری که خشونت بر روی زن می گذارد، بیش از آن که جسم را بخراشد، روح را جریحه دار می کند و به او احساس موجودی بی اراده و منفعل می دهد. خشونت نمادین یک مفهوم ارزشمند است که بحث های متضاد درخصوص خشونت علیه زنان را برای ما افشا می کند. در تحلیل ساختار خشونت نمادین، فرد خاصی را به عنوان عامل خشونت نمی توان در نظر گرفت و اعمال خشونت برخلاف خشونت فردی به صورت غیرمستقیم است. تظاهرات خارجی این خشونت پنهان را تنها می توان به شکل تقسیم نابرابر اقتدار و غیر عادلانه شانس های زندگی مشاهده کرد که ایجاد سلطه و تأثیرگذاری بر فرد برای کاستن از امکان تحقق توانایی های بالقوه است. [۲] آنچه از نتایج تحقیقات برمی آید این است که خشونت اصولاً توسط فرد دارای منابع قدرت از جمله اقتصادی، اجتماعی و... صورت می گیرد که در کشور ما معمولاً شامل مردان می شود. افزون بر موارد یاد شده انواع خشونت خانگی در استان های مختلف ایران از تنوع و تفاوت های زیاد و معناداری برخوردار است. به طور مشخص هر چه از حاشیه شهرها به طرف مرکز شهر حرکت کنیم، شکل خشونت از حالت فیزیکی آن خارج می شود و به شکل خشونت روانی یا پنهان نمود پیدا می کند که می تواند بسیار خطرناکتر از شکل فیزیکی آن باشد. به عبارتی زندگی در روستا، تحصیلات پایین، زندگی در خانواده فقیر و بی کاری، عوامل زمینه ساز و پیش بینی کننده های قدرتمند خشونت فیزیکی علیه زنان می باشد. [۳]

خشونت نمادین تحمیل کننده اطاعت هایی است که نه فقط به مثابه اطاعت درک نمی شوند، بلکه با اتکا بر انتظارات جمعی و باورهای از لحاظ اجتماعی درونی شده، فهمیده می شوند و بر یک نظریه «بازتولید باورها» استوار است. [۴] از آن جا که خشونت پنهان یا نمادین بیش از خشونت های فیزیکی بر روح زنان که تقریباً نیمی از جامعه را تشکیل می دهند و تربیت نسل بعدی را نیز به عهده دارند، تأثیر می گذارد و از آنان افرادی منفعل می سازد و همچنین خشونت است که کمتر به چشم می آید، بنا به علل فرهنگی و قانونی در بسیاری از موارد به رسمیت شناخته نمی شود و از آن جا که امروزه میزان خشونت در خانواده افزایش یافته، از این رو بررسی این نوع خشونت که پایه اصلی انواع خشونت ها است، بایستی مورد توجه اساسی قرار گیرد. لازم به ذکر است، پژوهش های انجام شده نشان می دهد که پیامدهای خشونت نمادین در خانواده به صورت ویژه مورد بررسی و واکاوی قرار نگرفته است. یا چنانچه پیرامون موضوع، پژوهش های اندکی انجام شده باشد تنها برخی از آن ها دارای اعتبار و روایی کافی می باشند، لذا نیاز به انجام بررسی های کاملتر احساس می شود. اما مساله اصلی مقاله حاضر این است که آشکار شود، این نوع خشونت چه پیامدهایی برای زنان در خانواده به بار می آورد؟ چگونه می توان میزان آن را کاهش داد؟ به چه طریق می توان به زنان برای رهایی از خشونت و شکوفا شدن توانمندی هایشان یاری رساند تا محیط سالم و امنی برای خود، همسر و فرزندانشان ایجاد شود.

با پژوهش های علمی آشکار شد که خشونت نمادین ابعاد عمیق و وسیعی از زندگی زنان را در بر می گیرد. که بر عوامل

تمامی استعدادهای پنهان خود را شکوفا سازند. [۱۵] مزلو مراتبی را برای دسترسی به این آرمان به صورت سلسله مراتب نیازها تدوین کرده است که عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای امنیتی، نیازهای عاطفی، نیاز اجتماعی-احترامی و نیازهای خودشکوفایی که بدون ارضای نیازهای هر طبقه نمی‌توان به طبقه بالاتر دست یافت. [۱۶] نظریات در باب خودشکوفایی و خودپنداره موثر بر رشد فردی براساس نظریه مزلو، تامس، مرتون و رزنتال عنوان شده است. تامس، مرتون و رزنتال بر خود پنداره موثر بر رشد فردی معتقدند که اگر فردی وضعیتی را واقعی فرض کند، پیامدهای آن وضعیت، بدل به واقعیت می‌شوند. [۱۷] بر این اساس انواع خشونت در طول زمان اعتماد به نفس، حس ارزشمندی و عزت نفس یا خود پنداره مثبت را در زنان کاهش می‌دهد. با توجه به هرم مزلو موقعی که نیازهای مربوط به احترام به خود و عزت نفس پس از نیازهای رده‌های پایینتر برآورده نشوند ناسازگاری‌هایی به وجود می‌آورد و مانع رسیدن فرد به خودشکوفایی می‌گردد. نظریات در مورد از خود بیگانگی بر اساس نظریه اریک فروم، کارل راجز، فردینبرگ و سیمن عنوان گردیده. کارل راجز لحاظ کردن خواسته دیگران در گزینش کنش خود؛ اریک فروم مدنظر قراردادن خواسته‌های دیگران در بقای نقش‌های مقرر؛ ادگارد فردینبرگ سرکوب شدن مفهوم فردیت را در بروز بیگانگی دخیل می‌دانند و ملوین سیمن شاخص‌های از خود بیگانگی را بی‌قدرتی، بی‌معنایی، انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خود می‌داند. [۱۸] از عقاید ایش فروم، کارل راجز و ادگارد فردینبرگ در این تحقیق استفاده شد تا بیان شود زمانی که زن مجبور است خود را در قالبی که شوهر، خانواده شوهر، فرهنگ و جامعه نقش بسته‌اند بگنجانند اصالت خود را از دست می‌دهد و اسیر خودباختگی و از خود بیگانگی می‌شود

زیادی استوار است. مطالعات لطفی خاچکی و کرمانی ۲۰۲۰ نشان دهنده مدیریت و بروز عاملیت زنانه در تعدیل خشونت نمادین درون خانواده در میان زنان طبقه متوسط که از منابع مالی، تحصیلی و... برخوردارند؛ می‌باشد. [۵] جعفریان و همکاران ۲۰۱۶ نیز نشان دادند مردانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند نسبت به همسر خود خشونت کمتری اعمال می‌کنند. [۶] علی‌وردی‌نیا و همکاران ۲۰۱۴ علاوه بر این در پژوهش خود عنوان داشته‌اند هرچه میزان پای‌بندی زنان به سلطه مردانه بیشتر باشد، از میزان خشونت علیه آنان کاسته خواهد شد. [۷] در تحقیقی دیگر طاهرخانی و همکاران ۲۰۱۱ نشان داده‌اند که به غیر از تجربه مستقیم خشونت، ترس از خشونت خانگی نیز با نشانه‌های افسردگی مرتبط است [۸] و به همین ترتیب سایر مطالعات نظیر تحقیق بجورکت ام‌ا ۲۰۱۹ نشان می‌دهد، عادت به کنترل بدون خشونت فیزیکی بر عملکرد و موقعیت آسیب‌پذیر خانم‌های جوان در یک خانواده پدرسالار تاثیر می‌گذارد. [۹] تحقیقات بهاتاچاریا ۲۰۱۸ نیز نشان داد زنان بدون آگاهی، خشونت نمادین برخاسته از قدرت نمادین را حفظ نموده و تداوم می‌بخشند. [۱۰] گری و همکاران ۲۰۱۷ نشان دادند، نادیده گرفتن متداول و عادی‌سازی خشونت نسبت به زنان در فرهنگ بازی و سرگرمی وجود دارد. [۱۱] براساس نتایج تحقیقات پیشین بیشتر تحقیقات به تاثیر خشونت نمادین پرداخته‌اند، اما در این مقاله پیامدهای این نوع خشونت واکاوی می‌شود و خشونت نمادین نقش متغیر مستقل را دارد. در هیچ‌یک از تحقیقات بیان شده متغیرها و ابعاد بیان شده در این تحقیق تحلیل و واکاوی نشده‌اند. هر کدام از تحقیقات مذکور اغلب تمرکز بر روی زنانی از طبقه و گروهی خاص داشته‌اند ولی این تحقیق به عموم زنان متاهل در کلان شهر تهران پرداخته است. ملاحظه می‌گردد که به لحاظ روش‌شناختی پژوهش‌های انجام گرفته بیشتر به صورت کیفی بوده‌اند و لذا نتایج حاصل از آن از قابلیت تعمیم کمتری برخوردار می‌باشد و به ندرت روش کمی مانند تحقیق حاضر میان آن‌ها به چشم می‌خورد.

در بررسی مفهوم متغیرهای پژوهش بایستی توجه نمود که خشونت نمادین با توجه به ویژگی پنهان و غیرمستقیم خود، موجب بروز روحیه پوچی، گریز از مشارکت اجتماعی و اضطراب در زنان می‌شود. [۱۲] در این مقاله با توجه به نظریات بورديو و گرامشی خشونت نمادین بررسی شده است. بورديو معتقد است خشونت نمادین به صورتی غیرفیزیکی ایجاد سلطه می‌کند و در این میدان‌ها هر گروهی که از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین افزون‌تر برخوردار باشد؛ شانس برتر و تسلط بیشتر در اختیار دارد. [۱۳] گرامشی نیز از رهبری فرهنگی یا «هژمونی» یاد می‌کند و آن را نقطه مقابل اعمال زور قدرت‌های اجرایی می‌داند [۱۴] می‌توان آن را به عنوان راه حلی در نظر گرفت. خودشکوفایی پدیده‌ای است که انسان‌ها مایل به پیشرفت می‌کوشند،

31

و تفریحی است؛ خوشه‌بندی مناطق کلان شهر در عامل‌های تلفیقی در پنج گروه به‌این شرح عنوان شده: بر اساس عوامل تلفیقی منطقه شش تهران به‌عنوان تک منطقه فراتوسعه یافته معرفی شده است. مناطق یک، دو، سه و هفت در گروه توسعه یافته روبه بالا و مناطق چهار، پنج، یازده و سیزده در گروه نیمه‌برخوردار قرار گرفته‌اند. منطقه هفده در گروه محروم همچنین دوازده منطقه شهری باقیمانده نیز در گروه کمتر توسعه یافته قرار دارند [۲۳] که به‌عنوان نمونه براساس سطح توسعه یافتگی مناطق که شرح آن گذشت به‌ترتیب منطقه شش به‌عنوان تک منطقه فراتوسعه یافته، منطقه ده از بین مناطق کمتر توسعه یافته، منطقه هفده به‌عنوان تک منطقه محروم، منطقه

جدول (۱) ضریب الفای ابعاد متغیرهای پژوهش			
متغیر	ابعاد	تعداد	ضریب الفای
خودشکوفایی	احساس هدفمندی	۶	۰/۸۲
	احساس ارزشمندی	۵	۰/۷۷
	احساس رضایت	۷	۰/۸۵
	خودشناسی	۴	۰/۷۰
	احساس درماندگی	۳	۰/۸۰
ازخودبیگانگی	بی‌قدرتی	۴	۰/۷۰
	بی‌معنایی	۴	۰/۷۳
	انزوای اجتماعی	۴	۰/۷۰
	تنفر از خود	۵	۰/۷۲
افسردگی	نشانه‌های عاطفی	۸	۰/۸۲
	نشانه‌های شناختی	۸	۰/۸۱
	نشانه‌های جسمانی	۵	۰/۷۰
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	۵	۰/۷۰
خشونت نمادین	عینیت یافته	۷	۰/۷۰
	عادت‌واره	۱۰	۰/۷۶
	هژمونی میدان	۱۲	۰/۷۵
	مبارزه در میدان	۵	۰/۷۳
	ساختمان ذهنی مرد	۴	۰/۷۲
	ساختمان ذهنی زن	۹	۰/۷۰
	بازتولید فرهنگ مردسالاری	۴	۰/۷۰

سیزده از بین مناطق نیمه برخوردار و منطقه دو از میان مناطق توسعه یافته رو به بالا انتخاب شدند.

برای جمع‌آوری اطلاعات طبق آخرین مستندات مرکز آمار ایران تعداد زنان متاهل بین سنین هجده الی پنجاه و پنج سال در مناطق دو، شش، ده، سیزده، هفده تهران جمعاً برابر با سیصد و شصت و هشت هزار و هشتصد و نود و هشت نفر می‌باشند؛ که براساس نرم افزار SPSS Sample Power چهارصد و پنجاه نفر حجم نمونه مناطق دو، شش، ده، سیزده، هفده بر پایه تناسب جمعیتی هر یک از مناطق ذکر شده در این تحقیق به‌ترتیب به: صد و شصت و پنج، پنجاه و سه، هشتاد و هشت، شصت و هفت و هفتاد و هفت نفر، تقسیم گردید و به‌صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای بررسی شد و نیز در مطالعه حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها و سنجش متغیرها و روابط میان آن‌ها از پرسشنامه بر طبق مفاهیم چهارچوب نظری و فرضیات برگرفته از آن استفاده شده است.

ملاک‌های ورود و خروج

ملاک‌های ورود: زنان متاهل هجده تا پنجاه و پنج سال مناطق دو، شش، ده، سیزده و هفده شهر تهران که حداقل یک سال از زمان ازدواجشان گذشته باشد.

ملاک‌های خروج: زنان مجرد همچنین زنان متاهلی که کمتر از یک سال از زمان ازدواجشان می‌گذرد و پائینتر از سن هجده سال یا بالاتر از سن پنجاه و پنج سال دارند.

ابزار پژوهش

ابزار تحقیق جهت سنجش متغیرهای ازخودبیگانگی، سرمایه فرهنگی فرزند و خشونت نمادین، پرسشنامه محقق ساخته بوده که به‌ترتیب با هفده، دوازده و چهار گویه سنجیده شده‌اند. در تدوین آن از شاخص‌های ازخودبیگانگی نظریات سیمن و شاخص‌های سرمایه فرهنگی و خشونت نمادین نظریات بوردیو استفاده شده که براساس روش اعتبار صوری بر پایه قضاوت داوران به‌وسیله چند تن از اساتید و کارشناسان صاحب‌نظر در این زمینه مورد تایید قرار گرفت. پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و انجام آزمون اولیه تایید شده است. پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم طبقه‌بندی شده که شامل صد و بیست گویه درباره عوامل روانی-اجتماعی بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نیز با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت. همچنین ابزار تحقیق برای متغیر افسردگی، پرسشنامه افسردگی بک و ویرایش دوم BDI-II بود که شامل بیست و یک گویه می‌باشد. بک، استیر و براون ۲۰۰۰ ثبات درونی این ابزار را هفتاد و سه صدم تا نود و دو صدم با میانگین هشتاد و شش صدم گزارش کرده‌اند. در بررسی بر روی صد و بیست و پنج دانشجوی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی، اعتبار و روایی BDI-II بر روی جمعیت ایرانی بیانگر آلفای کرونباخ هفتاد و هشت صدم و اعتبار بازآزمایی به فاصله دو هفته هفتاد و سه صدم بوده است. [۲۴] در این پژوهش برای متغیر خودشکوفایی از پرسشنامه خودشکوفایی برگرفته از مقیاس خودشکوفایی جونز و کراندل ۱۹۶۸ نیز استفاده شد. که شامل بیست و پنج گویه می‌باشد. پایایی آن به دو روش بازآزمایی و همسازی درونی آلفای کرونباخ توسط سازندگان آن سنجیده شده و ضرایب پایایی در دو روش به‌ترتیب نود صدم و نود و دو

است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. نتایج جدول شماره دو نشان می‌دهد که **فرضیه اول تحقیق**، خشونت نمادین واقع بر زنان متاهل بر رسیدن به خودشکوفایی آنان موثر است؛ تایید می‌گردد. مقدار ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین برابر $Beta = -0/49$ می‌باشد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است؛ مقدار ضریب بیانگر تاثیر معکوس و در حد متوسط خشونت نمادین واقع بر زنان بر خودشکوفایی آنهاست. **فرضیه دوم تحقیق**، خشونت نمادین واقع بر زنان متاهل بر ازخودبیگانگی ایشان اثر می‌گذارد؛ تایید می‌گردد و ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین برابر $Beta = 0/60$ به دست آمد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است. مقدار ضریب، بیانگر تاثیر مستقیم و در حد بالای خشونت نمادین واقع بر زنان بر ازخودبیگانگی آنهاست. **فرضیه سوم تحقیق**، خشونت نمادین واقع بر زنان متاهل بر افسردگی آنان اثر دارد؛ تایید می‌گردد و ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین برابر $Beta = 0/60$ به دست آمد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است. مقدار ضریب بیانگر تاثیر مستقیم و در حد بالای خشونت نمادین واقع بر زنان بر افسردگی آنهاست. **فرضیه چهارم تحقیق**، خشونت نمادین واقع بر زنان متاهل بر سرمایه فرهنگی فرزند موثر می‌باشد؛ تایید می‌گردد و ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین برابر $Beta = -0/29$ به دست آمد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است. مقدار ضریب بیانگر تاثیر معکوس و در حد ضعیف خشونت نمادین واقع بر زنان بر سرمایه فرهنگی فرزند آنهاست. برای آزمون **فرضیه پنجم** بین خشونت نمادین و پیامدهای آن همچون خودشکوفایی، ازخودبیگانگی، افسردگی و سرمایه فرهنگی فرزند رابطه ساختاری وجود دارد. از رویکرد مدل سازی معادله ساختاری کوواریانس محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین مولفه اصلی این مدل اثر متغیر خشونت نمادین بر پیامدهای آن استفاده شده که در نمودار شماره دو و جدول شماره چهار گزارش گردیده است. برحسب مقادیر جدول شماره چهار: در خصوص اثر متغیر خشونت نمادین بر متغیر خودشکوفایی؛ ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/70$ است؛ یعنی هفتاد درصد از تغییرات متغیر خودشکوفایی برحسب متغیر خشونت نمادین قابل تبیین است. مقدار ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین واقع بر زنان بر سرمایه فرهنگی فرزندان آنهاست.

خشونت نمادین واقع بر زنان بر خودشکوفایی آنهاست. در خصوص اثر متغیر خشونت نمادین بر متغیر ازخودبیگانگی؛ ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/94$ است؛ یعنی نود و چهار درصد از تغییرات متغیر ازخودبیگانگی برحسب متغیر خشونت نمادین قابل تبیین است. مقدار ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین برابر $Beta = 0/97$ به دست آمد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است و بیانگر تاثیر مستقیم و در حد بالای خشونت نمادین واقع بر زنان بر ازخودبیگانگی آنهاست. در خصوص اثر متغیر خشونت نمادین بر متغیر افسردگی؛ ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/90$ است؛ یعنی نود درصد از تغییرات متغیر افسردگی برحسب متغیر خشونت نمادین قابل تبیین است. مقدار ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین برابر $Beta = 0/95$ به دست آمد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است و بیانگر تاثیر مستقیم و در حد بالای خشونت نمادین واقع بر زنان بر افسردگی آنهاست. در خصوص اثر متغیر خشونت نمادین بر متغیر سرمایه فرهنگی؛ ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/19$ است؛ به بیان دیگر نوزده درصد از تغییرات متغیر سرمایه فرهنگی فرزندان برحسب متغیر خشونت نمادین قابل تبیین است. مقدار ضریب تاثیر متغیر خشونت نمادین برابر $Beta = -0/43$ به دست آمد که در سطح $P < 0/01$ معنادار است و بیانگر تاثیر معکوس و در حد متوسط خشونت نمادین واقع بر زنان بر سرمایه فرهنگی فرزندان آنهاست.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل پیامدهای خشونت نمادین واقع بر زنان در خانواده، شامل خودشکوفایی، ازخودبیگانگی، افسردگی و سرمایه فرهنگی فرزند انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که هرچهار پیامد ناشی از خشونت نمادین، تحت تاثیر این خشونت قرار دارند. با این تفاوت که فرضیه یک و چهار دارای اثرات معکوس و فرضیه دو و سه دارای اثرات مستقیم می‌باشند. بدین معنا در جامعه مورد مطالعه با افزایش خشونت نمادین، ازخود بیگانگی نیز افزایش می‌یابد و برعکس، زمانی که زن مجبور است خود را در قالبی که دیگران یعنی شوهر، والدین، فرهنگ و جامعه برایش نقش بسته‌اند،

بگنجانند، اصالت خود را ازدست می دهد و اندک اندک در این ارتباط استحاله و امتزاج می یابد. آنان قبل از این که به خواسته های موجه خود بها دهند به انتظارات دیگران توجه دارند. زمانی که این ایثارها دو طرفه نباشد، فکر می کنند ارتباط و پیوندشان از بین رفته و پشتیبان موثقی ندارند؛ از این رو اسیر از خودبیگانگی می گردند. این یافته با تحقیقات غفوری کله و محسنی تبریزی [۲۸] که بین رضایت از زندگی و تمامی ابعاد از خودبیگانگی به رابطه معنی دار و معکوس رسیده اند و حاجی هاشمی و همکاران [۲۹] که در بررسی خود دریافتند از دلایل اصلی سلطه مرد بر زن و از خودبیگانگی زنان در جامعه پدرسالار، عقاید غلط حاکم و نوع نگرش جامعه نسبت به زن و نیز ناآگاهی آنان از حقوق انسانی خود است؛ همسو می باشد. همچنین یافته ها نشان دادند با افزایش خشونت نمادین در جامعه آماری پژوهش، افسردگی نیز افزایش می یابد؛ و برعکس، زنان بیشتر از هر گروه دیگری در برابر خشونت مردان قرار می گیرند؛ بنابراین جنس کم توان راهی جز این ندارد که با یک مکانیسم دفاعی به سازگاری خوشایند روی آورد؛ چون در وضعیتی نیست که پیروز این میدان شود. در این راستا، زن باید به طور آشکار احساسات منفی و عصیانگرانه خویش را خاموش سازد؛ همان چیزی که جامعه از او می خواهد. این خود خاموش سازی، منجر به خود مقصرپنداری، شکاف درونی و افسردگی زنان می شود. [۳۰] این یافته با پژوهش داساربن و همکاران [۳۱] که در پژوهش خود دریافتند، زنانی که قربانی همسرآزاری می شوند، به طور معناداری دچار نشانه های افسردگی هستند و طاهرخانی و همکاران [۸] که در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نه تنها تجربه مستقیم خشونت خانگی بلکه ترس از خشونت خانگی نیز با نشانه های افسردگی مرتبط می باشد، هم راستاست.

همین طور، مشخص شد که با افزایش خشونت نمادین، میزان خودشکوفایی کاهش می یابد و برعکس، انواع خشونت، در طول زمان، اعتمادبه نفس، حس ارزشمندی و عزت نفس یا خودپنداره مثبت را در زنان کاهش می دهد. با توجه به هرم مزلو موقعی که نیازهای مربوط به احترام به خود و عزت نفس پس از نیازهای رده های پایینتر برآورده نشوند، به نوبه خود در فرد احساس خود کم ارزشی به وجود می آورد و مانع رسیدن فرد به خودشکوفایی می گردد. این یافته با تحقیقی که فرنچ و جوزف [۳۲] انجام دادند و مشخص شد، خودشکوفایی با شادکامی و هدفمندی زندگی همبستگی مثبت دارد و داهی و همکاران [۳۳] که در پژوهش خود نشان دادند بین خودشکوفایی و روان رنجوری رابطه معنادار و منفی وجود دارد، مطابقت دارد.

به علاوه مشاهده شد، با افزایش خشونت نمادین سرمایه فرهنگی فرزند تضعیف می شود و برعکس. بر این اساس، می توان گفت که نبود روابط گرم و صمیمی میان والدین همراه با خشونت موجب می شود، فرزند از سرمایه اجتماعی و حمایت خانواده که منبعی برای موفقیت در تحصیل و بروز استعدادها و است، بی بهره بماند و مادر که نقش مهمی در تشویق و مساعدت به فرزند برای رشد و بالندگی او ایفا می کند، اگر خود دچار تشویش، اضطراب و... باشد نمی تواند برای شکوفایی استعدادها و توانایی های وی مشوق و یاری گر باشد. همچنین این یافته با پژوهش کردی و غضنفری [۳۴] که در مطالعه خود دریافتند سرمایه اجتماعی درون خانواده یا ارتباطات درون خانوادگی در رتبه اول تاثیرگذاری بر موفقیت تحصیلی فرزندان است و مطالعه دیگری که آچاریا و بهرا [۳۵] انجام داده و طی آن اذعان داشته اند که نهاد خانواده در میان نهادهای مختلف، در شکل گیری شخصیت فرزندان نقش مهمی ایفا می کند، هم خوان است. در نهایت نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد، خشونت نمادین، مانعی جدی برای رسیدن به خودشکوفایی زنان و رشد سرمایه فرهنگی فرزندان است و می تواند موجب از خودبیگانگی و افسردگی زنان شود و مشکلات زیادی در خانواده برای زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند و فرزندان یا آینده سازان جامعه به وجود آورد و از آن جاکه امروزه میزان خشونت در خانواده افزایش یافته، پژوهش حاضر می تواند، چارچوبی برای درک بهتر پیامدهای حاصل از این نوع خشونت در خانواده فراهم کند و با عرضه راهکارهایی، موجب رضایت بیشتر از زندگی میان اعضای خانواده شود.

محدودیت ها: نگارنده با نبود آمار رسمی، روشن و جدید از انواع خشونت علیه زنان در خانواده، کمبود تحقیقات انجام شده و دسترسی نداشتن به منابع کافی در زمینه موضوعی تحقیق، با محدودیت هایی مواجه بوده است.

پیشنهادهای: بر اساس یافته های تحقیق، در راستای کاهش خشونت نمادین و پیشگیری از پیامدهای آن، پیشنهاداتی بدین شرح

زنان در امر تحصیل، کار و... بهره‌مندی از مهارت و استعداد زنان در رشد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور؛ معرفی چهره‌های شاخص و کارآمد در حوزه زنان.

سپاسگزاری: با تشکر از زنان شرکت کننده در این تحقیق که با صبوری به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند.

تضاد منافع: هیچ نوع تضاد منافعی چه نویسندگان با یکدیگر و چه با افرادی خارج از تیم نویسندگان و چه با سازمان‌ها و... وجود ندارد.

عنوان می‌شود. انتقال ریات یا قدرت خانواده از مرد به سمت شایسته سالاری؛ تغییر نگرش مردان توسط رسانه‌ها و افزایش امکان تحصیل تا بدانند هویت آنان ربطی به مالکیت بر زنان ندارد؛ حفظ کرامت و ارزش زن در جامعه از طریق غنی‌تر کردن فرهنگی برنامه رسانه‌ها؛ آموزش کارکنان مراکز بهداشتی درمانی در خصوص اهمیت شناسایی زنان خشونت دیده، عرضه خدمات پزشکی، مشاوره و ارجاع آنان به مراجع قانونی؛ خشونت در خانواده مساله خصوصی و عادی نباشد و صحبت در مورد آن صورت گیرد؛ آموزش مهارت‌های رفتاری به زوجین تا شاهد ظهور افرادی رشد یافته‌تر گردیم که خود مانع سلطه‌جویی در خانواده می‌گردد؛ اصلاح قوانین ازدواج و طلاق [مواردی که مانع رشد و تعالی زنان گردد]؛ از بین بردن محدودیت‌های دست و پاگیر برای

منابع

References:

1. Eitzen D.S, Baca Zinn M, Smith KE. Social Problems. 12th edition, 2017; Pearson, London; UK [Persian] <https://www.pearson.com/en-us/subject-catalog/p/social-problems/P200000002810/9780137528035>
2. Ebrahimpour GH. Symbolic violence in family. Journal of Marefat. 2012;12(162):15-30. [Persian] <http://marifat.nashriyat.ir/node/2346>.
3. Kamali M, Rahimi Kian F, Mirmohamad Ali M, Mehran A, Shafiei E. Comparison of domestic violence and its related factors in pregnant women in both urban and rural population in Zarand city, 2014, Journal of Clinical Nursing and Midwifery. (2015); 4(2): 69-78. [Persian] https://jcnm.skums.ac.ir/browse.php?a_id=270&sid=1&slc_lang=en
4. Duncan I. Bourdieu on Bourdieu: Learning the lesson of the leçon. 2017; New York; USA. [Persian] https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-349-21134-0_8
5. Lotfi Khachaki T, Kermani M. Women's agency in the face of symbolic violence in the middle class. REFAHJ. Social Welfare Quarterly. 2020;20(76):87-129. [Persian] <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3443-en.html>
6. Jafarian T, Fathi M, Arshi M, Ghaderi R. The effect of men's emotional intelligence on violence against women among married couples. Knowledge & Research in Applied Psychology. 2017;16(4):76-83. [Persian] <https://www.magiran.com/paper/1494562/the-effect-of-men-s-emotional-intelligence-on-violence-against-women-among-couple-married?lang=en>
7. Aliverdinia A, Razi D, Ayini S. Violence against women: An empirical test of resource and radical feminism theories. Social Welfare Quarterly. 2013;13(49):367-406. [Persian] <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1331-en.html>
8. Taherkhani S, Mirmohammadali M, Kazemnejad A, Arbabi M. Investigating the relationship between experience time and fear of domestic violence with the occurrence of depression in women. Iranian Journal of Forensic Medicine. 2010;16(2):95-106. [Persian] <https://sjfm.ir/article-1-300-en.html>
9. Björktomta SB. Honor-based violence in Sweden—Norms of honor and chastity. Journal of Family Violence. 2019;34(5):449-460. <https://dx.doi.org/10.1007/s10896-019-00039-1>
10. Bhattacharyya R. Symbolic violence and misrecognition: Scripting gender among middle-class women, India. Society and Culture in South Asia. 2019;5(1):19-46. <https://dx.doi.org/10.1177/2393861718787870>
11. Gray KL, Buyukozturk B, Hill ZG. Blurring the boundaries: Using Gamergate to examine “real” and symbolic violence against women in contemporary gaming culture. Sociology Compass. 2017;11(3):e12458. <https://dx.doi.org/10.1111/soc4.12458>.
12. Sohrabzadeh M, Mansoriyan Ravandi F. Women's experience of verbal violence in the family (Case study: Women in Kashan). Journal of Woman in Culture Arts. 2017;9(2):245-264. [Persian] <https://doi.org/10.22059/jwica.2017.234644.883>
13. Lash S. Sociology of Postmodernism. Routledge; London; UK. 2006. [Persian] <https://www.amazon.com/dp/0415047854?tag=philp02-20&linkCode=osi&th=1&psc=1>
14. Ritzer G. Sociological Theory. McGraw Hill, New York; USA. 2015. [Persian] <https://www.amazon.com/dp/0415047854?tag=philp02-20&linkCode=osi&th=1&psc=1>

com/Sociological-Theory-Ritzer-G/dp/0071321152

15. Mahdavi Damghani M, Sadeghi A. Saadi's self-actualization and self-actualizr man with a comparative approach to Maslow's theory. *Journal of Educational Literature*. 2019;10(40):1-36. [Persian] <https://sanad.iau.ir/Journal/parsadab/Article/1028714>

16. Rahmannedhad M, Abraham Maslow, Biography, Approaches, Critique of Approaches. Tehran: Exir Andisheh; 2019. [Persian] <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/5404532>

17. Aban Press. Which predictions come true on their own 2019 [cited 2019 july 24]. [Persian] <https://abanpress.ir/science/19457/1397/05/02>

18. Mohseni Tabrizi, A. Alienation, conceptualization and grouping of theories in the fields of sociology and psychology. *Journal of Social Sciences Letter*. 1991;2(2): 25-70. [Persian] https://jnoe.ut.ac.ir/article_15355.html

19. Miri N, Nayyeri M. Irrational beliefs in women with postpartum depression. Mashhad: Motekhasesan; 2019. [Persian] <https://www.motekhasesan.com/product/bavar-zayman/>

20. Atashpur H, Zamani M, Ara J. Depression: Theory and Treatment. Azad University Khorasgan Branch; Isfahan; Iran. 2011. [Persian] <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2114315>

21. Newton K. (2001). Trust, social capital, civil society, and democracy. *International Political Science Review / Revue Internationale de Science Politique*, 22(2), 201-214. [Persian] <http://www.jstor.org/stable/1601186>

22. Iran Statistics Center. Table of population ten years and older by age, sex and marital status by 22 districts of Tehran in 2016 [cited 2019 july 24]. [Persian] Available from: www.amar.org.ir.

23. Mirzaei J, Ahmadi S, Lorestani A. Spatial analysis of the levels of enjoyment of metropolitan areas of Tehran from the perspective of urban economy. *Tehran Scientific Society of Urban Economics of Iran. Journal of Urban Economics and Management*. 2015;3(11):59-77. [Persian] <https://iueam.ir/article-1-197-en.html>

24. FathiAshtiani. A. Psychological tests: Assessment of personality and mental health. Tehran: Besat Publications; 2015. [Persian] <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/8775906>

25. Esmailkhani F, Najarian B, Mehrabizadeh Honarmand M. Build and validate a scale for measuring self-actualization. *Scientific-Research Quarterly Of Humanities Al-Zahra University*. 2002;11(39):1-20. [Persian] <https://www.sid.ir/paper/13969/fa>

26. Afshani S.A, Khorampur Y, Mambini S. Investigating the relationship between religiosity and self-actualization (case study: Yazd University students). *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies* 2014;3(1):29-52. [Persian] <https://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-88-en.html>

27. Mohamadi H, Asghari Ebrahimabadi MJ. The mediating role of creative thinking in the relationship between self-differentiation and self- actualization of Mashhad couples. *Cultural-Educational Scientific Journal Of Women And Family*. 2020;14(50):107-124. [Persian] https://cwfs.ihu.ac.ir/article_205094.html

28. Ghafouri Kale M, Mohseni Tabrizi A. Assessing the relationship between the five dimensions of alienation and life satisfaction (studied by adualt citizens of Tehran). *Social Science Quarterly Azad University of Shushtar Branch*. 2018;12(1):97-124. [Persian] https://journals.srbiau.ac.ir/article_12395.html

29. Hajhashemi Z, Saedi A.R, Ganji N. The study of "female alienation" in the patriarchal society of the short stories "Zoya Pirzad" and "Haifa Bitar". *Journal of Comparative Literature, Faculty of Literature and Humanities Razi University of Kermanshah*. 2018;7(26):43-62. [Persian] https://jccl.razi.ac.ir/article_680.html

30. Jack D.C. Silencing the self: Women and depression. Harvard University Press; Massachusetts, USA. 1997. [Persian] <https://psycnet.apa.org/record/1991-98431-000>

31. Dasarband B, Panaghi L, Mootabi F. The relationship between spouse abuse and depressive symptoms in women: The moderating role of personality characteristics. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2017;23(1):38-49. [Persian] <https://dx.doi.org/10.18869/NIRP.IJPCP.23.1.38>

32. French S, Joseph S. Religiosity and its association with happiness, purpose in life, and self-actualisation. *Mental Health, Religion & Culture*. 1999;2(2):117-120. <https://doi.org/10.1080/13674679908406340>

33. Dahi R.J, Wakefield J.A, Kimlicka T.M, Wiederstein M, Cross H.J. How the personality dimensions of neuroticism, extraversion and psychoticism relate to self-actualization. *Personality and Individual Differences*. 1983;4(6):683-695. [https://doi.org/10.1016/0191-8869\(83\)90123-X](https://doi.org/10.1016/0191-8869(83)90123-X)

34. Kordi H, Ghazanfari S. Sociological explanation of the relationship between family's social capital and children's educational achievement. *Journal of Applied Sociology*. 2015;26(3):161-171. [Persian] https://jas.ui.ac.ir/article_18411.html?lang=en

35. Acharya T, Behera DK. Factors influencing the educational achievements of the scheduled caste and general caste students of Cuttack municipality corporation, Orissa. *Journal of Social Sciences*. 2005;10(3):215-222. <https://doi.org/10.1080/09718923.2005.11892483>